

بسم الله الرحمن الرحيم

## جریان شناسی (چیستی و قلمرو مطالعاتی آن)

مصاحبه با سید حسین شرف الدین، عضو هیات علمی موسسه آموزشی و پژوهشی

امام خمینی (ره) دی ۱۳۹۰.

جریان (flow/current/movement) در لغت عمدتاً ناظر به شیوه ای خاص از بودن

(= هویت سیال و منتشر در زمان) یا شدن (=تطور، بی قراری، سیالیت و جابجایی) پدیده ها اعم

از فیزیکی و انسانی در امتداد زمان (یا علاوه بر زمان در مکان نیز)

بدیهی است که در عالم انسانی، جریان به اعتبار متعلقات آن یا پدیده های مشمول جریان یابی

و حرکت در گستره زمان و مکان عمدتاً از جنس معنا (باور، اندیشه، دانش، ارزش، ایدئولوژی،

آرمان، احساس و...) یا هویت های متضمن معنایند (نظیر تکنولوژی). لازم به ذکر است که جریان

در عالم انسانی گاه شکل هویت یابی و فرمول بندی شده است نظیر آنچه در خصوص برخی

مکاتب سیاسی اجتماعی همچون لیبرالیسم، فمینیسم، سوسیالیسم به کار می رود و گاه به صورت

موج های سرگردان و ساخت نیافته است که ممکن است به مرور زمان و تحت تاثیر عواملی،

تعیین یافته و شناسنامه دار شود. نکته دیگر اینکه جریان اجتماعی در صورتی که علاوه بر حرکت

غیر فیزیکی معمول آن در قلمرو اندیشه و احساس افراد، تحت تاثیر برخی شرایط در قالب

حرکت و جنبش فیزیکی نیز تبلور یابد و در گستره جامعه به صورتی موج گونه براه افتاده و تاثیراتی را موجب شود، از آن به «جنبش اجتماعی» یاد می شود.

تعریف دیگر از جریان: مجموعه ای از باورها، ارزش ها، احساسات، اعمال، رویدادها، نمادها و نشانه ها، مطالبات و ترجیحات جمعی است که از یک منبع اندیشه ای و ایدئولوژیکی (فرد، مکتب، سازمان) ناشی شده، در یک جهت و مجرای خاص جریان یافته و به هدف یا اهدافی معین معطوف و متمایل است.

به بیان دیگر، جریان جابجایی جهت دار، هدفمند، هدایت شده/ هدایت نشده، عناصر فوق الذکر در سطح افکار عمومی یا گستره اجتماع است.

در تعریف جریان گاه کنش گران حامل مولفه های فکری و عوامل انسانی دارای عاملیت در پیشبرد اهداف آن نیز دخالت داده می شود. براین اساس، جریان را می توان مجموعه ای از افراد دارای مبانی و اصول فکری مشترک، دارای هدف و آرمان مشترک دانست که در جهت رسیدن به آن هدف و آرمان به اقدامات و کنش های جهت دار و همسو به صورت سازمان یافته یا سازمان نیافته (موج های هدایت و کنترل نشده) جمعی دست می زنند. (و همانگونه که در قبل اشاره شد جریان به این اعتبار، با جنبش اجتماعی، حزب، طبقه اجتماعی (در اندیشه مارکس)، قشر اجتماعی (که ملاک آن منزلت و قدرت است)، صنف و مفاهیمی از این سنخ قرابت می یابد. از سوی دیگر، هر یک از این تشکلات خود فی نفسه استعداد لازم برای خلق جریان های متنوع فرهنگی اجتماعی را در شرایط خاص دارا هستند).

«جریان» در عالم انسانی را می توان با عطف توجه به ویژگی های ذیل، بهتر شناخت: غالبا داشتن هویت تاریخی اجتماعی؛ جمعی بودن (اگر چه ممکن است منشا آن در آغاز فردی باشد)، داشتن ماهیت فرایندی و پویایی (که خود را در جلوه ها و مظاهر مختلفی نمایان می سازد و معمولا با شاخص ها و علائمی هویت آن تشخیص و مفهوم سازی می شود)، استعداد برای موج آفرینی و تحرک ذهنی و عینی در گستره جامعه ( هر جریان فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی بسته به جایگاه و موقعیت، کمیت و کیفیت مدعیان و هواداران، ارزش و اعتبار اهداف و آرمانها، جاذبه شعارها، انسجام و هماهنگی میان مطالبات و اقدامات و... بالقوه می تواند موج های را ایجاد کند، واکنش هایی برانگیزاند، تقابلی را میان موافقان و مخالفان سامان دهد، ظرفیت های پنهانی را فعال سازد و...)، داشتن مسیر و جهت نسبتا معین، داشتن هدف یا اهداف خاص (یا دست کم به سمت و سوی خاصی تمایل و شیب حرکتی و رفتاری دارد)، عضویت افراد در آن می تواند داوطلبانه یا توأم با درجاتی از فشار هنجاری و احساسی باشد، جهت حرکت آن می تواند افقی و عرضی یا عمودی و طولی باشد، روند آن ممکن است خطی یا انحنایی باشد (به صورت تنزلی یا تکاملی)، به لحاظ عمر و حیات تاریخی می تواند کوتاه مدت یا طولانی مدت و پرسابقه باشد، شعاع نفوذ و تاثیر آن می تواند همه یا صرفا بخش های خاصی از جامعه باشد؛ به لحاظ منشا خلق ممکن است درون زا یا برون زا باشد، مطالبات آن می تواند از نوع اصلاحی، رفورمی و سطحی یا خشن، انقلابی و بنیادین باشد، و...

نکته دیگر اینکه جریان همواره نیاز به متعلق و مضاف دارد: برای مثال در عالم فیزیک و مکانیک، جریان به باد، هوا، آب، الکتریسیته و... مقید می شود و در عالم انسانی، جریان ها معمولا با قید و عنوان فرهنگی (اندیشه ای)، اجتماعی (= موقعیتی، نهادی، ساختاری، ارتباطی)، سیاسی، حقوقی، دینی، اقتصادی، ادبی، هنری و... توصیف می شوند.

بدیهی است که زمینه ها و شرایط اجتماعی در شکل گیری، رشد، استمرار، تاثیرگذاری و تاثیر پذیری و مرگ جریان ها علیت و عاملیت دارند؛ چه اینکه جامعه ظرف تحقق و بستر جولان آن هاست. همچنین جامعه و وضعیت های فرهنگی اجتماعی حتی در سطوح ساختاری ممکن است به تبع و تحت تاثیر جریان های فعال، تغییرات ریز و درشتی را مستقیم و غیر مستقیم تجربه می کند.

به لحاظ معرفت شناختی و هنگامی که یک جریان مورد تامل و واکاوی حوزه های معرفتی قرار می گیرد، موضوع «جریان شناسی» مطرح می شود. به بیان دیگر، جریان شناسی تلاش در جهت شناخت توصیفی، تبیینی، تفسیری (واکاوی معنایی شعارها، مدعیات و مطالبات جریان ها)، توجیهی و مدافعه و انتقادی یک جریان فکری، سیاسی، اجتماعی و... است. گاه نیز با هدف شناخت روند حرکت آن در آینده، در حوزه مطالعه آینده پژوهی مورد توجه قرار می گیرد.

اینکه کدامیک از حوزه های معرفتی و دانشی شناخته شده متکفل بحث از جریان های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی است تا حدی به تلقی های طرح شده از این واژه بستگی دارد. به بیان روشن تر، اگر مراد از جریان شناسی، مطالعه و بررسی عالمانه و روشمند ابعاد اجتماعی (به معنای عام)

یک جریان باشد) مثل بررسی نقش زمینه ای اجتماع در شکل گیری، رشد و بالندگی، پویایی و استمرار، تاثیرگذاری و تاثیرپذیری، نتایج و پیامدهای آشکار و پنهان، مثبت و منفی و مستقیم و غیرمستقیم آن برای جامعه یا احیاناً تغییر جهت و مسیر آن در فرایند رشد و نیز مرگ و زوال یک جریان) باشد عموماً در حوزه مطالعه علم جامعه شناسی و برخی جامعه شناسی های مضاف است. برای مثال: رشته جامعه شناسی معرفت عمدتاً به مطالعه زمینه ها و موقعیت های متنوع جامعه در شکل گیری، تعمیق، تقویت، پویایی و اثر بخشی و تاثیر پذیری یک حوزه یا نظام معرفتی مشخص از عوامل محیطی می پردازد. بدیهی است که ابعاد معرفت شناسی و مضمونی این حوزه به شاخه معرفت شناسی مربوط است. همچنین در سایر جامعه شناسی های مضاف همچون جامعه شناسی سیاسی، جامعه شناسی اقتصادی، جامعه شناسی تغییرات اجتماعی و... به نقش و تاثیر متقابل جامعه با پدیده ها و رویدادها و جریانات فرهنگی اجتماعی پرداخته می شود.

و اگر جریان شناسی را چیزی فراتر از صرف مطالعه ابعاد و زمینه ها و تاثیرات متقابل اجتماعی یک جریان بدانیم و به نوعی مطالعه سایر ابعاد و مولفه ها نیز در دستور کار باشد، در آن صورت قاعدتاً حوزه معرفتی متناسب دیگری متکفل این مهم خواهد بود؛ مشابه کاری که تاریخ نگاران علم در تاریخ علم، یا محققان در بخش پیشینه و ادبیات موضوعی یا مساله مورد تحقیق خود مطرح می کنند.

البته در عصر و زمان ما به دلیل ضرورت و اهمیت مطالعه جریان های مختلف بویژه در حوزه های سیاسی اجتماعی بعید نیست که جریان شناسی خود به یک حوزه معرفتی تخصصی با موضوع، مسائل، روش، هدف، فایده و اقتضائات آموزشی و پژوهشی متناسب تبدیل شود. بدیهی است که به دلیلی تعدد و تنوع متعلق یا مضاف جریان ها، این حوزه معرفت تخصصی نیز متعدد و متنوع خواهد بود.